

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

داد نورانی
۲۲.۰۳.۰۹

ظفر سواران

تا کهکشان نمایان، فریاد درد یاران
بر شط غم شناور آه ظفر سواران
در شهر عیش و عشرت زنگ طرب به خون است
دست تکدی ای وای، افکنده نامداران
تا دیده در نور دید، داغ جگر خراشی
دل از تپش سر آمد، بنشست کنج حیران
کین رستخیز خونین، انجم فشان درد است
هر گوشه بر فتاده یک تا به صد هزاران
بر قبله طرب خیز، آوای عشق مرده ست
بر برج و باروی او، جغد و خفاش طیران
هر جا شرنگ موج، بر جرعه های هستی
در خوان خون شناور، قربانیان دوران
گرگان تیز دندان، خود خطبه خوان خودبین
هر گوشه قد کشیدست، اورنگ تاجداران
کشند، بسته بردند، بر شهر من چه ها رفت
بر سردرش نوشتند: "این مجمع اسیران"
از ابر بی طراوت پیکان و تیگر بار
شیون شراره بارسست در قطره های باران
از آه سرخ هر جا، آوار لاله خیز است
گوئی طلوع گل رفت، اندر دل بهاران
یا شکوه دی را، خونرشته ام نور دید
اشک قلم بر آمد، بر پیشه زار هجران

آوای درد هرگاه از سرزمین دل خاست
هر واژه اش چو تیغی بر گردن امیران
حیف است اگر که روزی
اهریمنی سر آرد، از دشت لاله کاران
آنان که نرد دل را تا پای زور بردند
ویرانگری نمودند، چون مجمع اجیران
خاکی پران عرصه، دستی چو آب دارند
در هر کجا بیالند بر پاکباز، یاران
گر بر شفق بر ایند نیم بسملان پرپر
کارند نگیں بوسه، بر دشنه دلیران
خورشید فتح نورین، آنگاه که سر بر آرد
گردن فراز گردند، سرهای سربداران
با شرطه باد پیروز، صبح ظفر چو خیزد
در رقص گفته هایم، تابد هزار شکران